

جشنواره فیلم فجر در آینه چهار دهه تغییر

لحظه مواجهه

سمیه خاتونی

بر مسیر جشنواره اثر گذاشته است. از این منظر، جشنواره چهل و چهارم فیلم فجر نیز پدیده‌ای مستقل یا استثنایی نیست. این دوره، در امتداد همان روند پرنوسانی شکل گرفته که از سال‌های نخست جشنواره آغاز شده و در هر دهه، صورت‌بندی تازه‌ای به خود گرفته است. آنچه امروز در ترکیب آثار، نحوه مواجهه جشنواره با سینماگران و واکنش‌های پیرامونی آن دیده می‌شود، بدون رجوع به این مسیر تاریخی قابل فهم نیست. در واقع، هر قضاوتی درباره فجر ۴۴ چه در مقام نقد و چه در مقام دفاع، ناگزیر باید از همین بستر تاریخی عبور کند. جشنواره‌ای با چنین پیشینه‌ای، نه با تصمیم‌های مقطعی تعریف می‌شود و نه با یک دوره خاص قابل توضیح است.

فهم وضعیت کنونی فجر، مستلزم بازخوانی رابطه پیچیده آن با سینمای ایران است؛ رابطه‌ای که در طول چهار دهه، بارها تغییر شکل داده و اکنون در یکی از حساس‌ترین نقاط خود ایستاده است.

جشنواره فیلم فجر رانمی توان صرفاً یک رویداد سالانه با مجموعه‌ای از نمایش‌ها و داوری‌ها دانست. این جشنواره، در طول بیش از چهار دهه، به نهادی چندلایه بدل شده که نسبت آن با سینمای ایران همواره در حال تغییر، بازتعریف و گاه مناقشه بوده است. فجر نه فقط ویتترین تولید سالانه، بلکه یکی از مهم‌ترین سازوکارهای شکل‌دهنده به ارزش‌گذاری، مشروعیت‌بخشی و جهت‌دهی به سینمای ایران بوده؛ نهادی که حضور یا عدم حضور در آن، برای سال‌ها معنایی فراتر از یک انتخاب ساده داشته است. هر دوره جشنواره، بیش از آن که فقط تصویری از وضعیت سینمای همان سال ارائه دهد، محصول انباشت تصمیم‌ها، سیاست‌ها و تجربه‌هایی است که در دهه‌های پیش شکل گرفته‌اند و به تدریج به حافظه نهادی جشنواره بدل شده‌اند. انتخاب‌ها، حساسیت‌ها، خطوط قرمز و حتی انتظارات نانوخته پیرامون فجر، ریشه در همین تاریخ انباشته دارند؛ تاریخی که گاه آگاهانه بازخوانی شده و گاه نادیده گرفته شده، اما همواره